



گفت‌وگو با صادق نوروزی

هاشمی مخالف تأسیس سازمان مجاهدین انقلاب بود

گروه سیاست: تاریخ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حکایت فراز و فرودها و آمدورفت‌های اندیشه‌های متفاوت از ۵۷ تاکنون است تا حدی که روزگاری آن محمل حسین فدایی و بهزاد نبوی را در کنار هم می‌نشانَد. امروز که سالگرد...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸ • ۹ صفر ۱۴۴۱ • ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹

تیتراها

قالیباف راه احمدی‌نژاد را می‌رود؟

صفحه ۲

رشوه متهم ۴۰۰۰ میلیاردی به خاوری

صفحه ۵

چه کسی زنان را به ورزشگاه راه داد؟

کار، کار خودشان است!

صفحه ۱۴

محمدعلی نجفی صحنه قتل را دوباره بازسازی کرد

صفحه ۱۱

بغداد؛ هدف مسکو بعد از دمشق

صفحه ۷

حضور قاضی پرونده‌های حساس در هیئت نظارت

صفحه ۳

حرف اول

رؤیای قطع وابستگی به نفت

بایزید مردوخی . اقتصاددان



خبر را در سیما از زبان رئیس محترم سازمان برنامه و بودجه کشور شنیدم که باورم نشد و چون ایشان را با تاریخ سازمان برنامه و به‌ویژه سال

۱۳۲۷، آغاز اولین برنامه هفت‌ساله عمرانی کشور، آگاه‌تر از همگان می‌دانستم، بالاخره با این توجیه کنار آمدم که گفته‌های اولین رئیس نهاد جدیدالتأسیس برنامه‌ریزی را نقل می‌کند؛ اما من متوجه این بخش از فرمایش ایشان نشدم که آیا نقل‌قول است یا عزم و اراده‌ای جدید. علت وجودی سازمان برنامه در دهه ۱۳۲۰ و در واقع مهم‌ترین علت آن، بهره‌برداری از ثروت تاریخی نفت برای ایجاد ظرفیت‌های تولیدی زیربنایی برای نسل معاصر و نسل‌های آینده کشور عنوان شد و شاید به همین دلیل بود که عنوان قانونی اولین برنامه عبارت بود از برنامه عمرانی هفت‌ساله اول که طبق این برنامه که سال ۱۳۲۷ آغاز آن بود، کل منابع برنامه از درآمد نفت و صرفاً برای اجرای طرح‌های عمرانی و تولیدی در بخش دولتی بود. این هدف بنیادی برنامه‌ریزی توسعه در ایران به‌تدریج در دولت‌های بعد و تا امروز گاه با اندکی تغییر و زمانی با حداکثر قدرت، زیر پا گذاشته می‌شد و دولت‌های وقت همواره با حداقل توجیه توسعه‌ای و با حداکثر اقتدار از درآمدهای حاصل از صدور نفت استفاده کردند. در برنامه سوم توسعه، برای احیای این فکر

که نفت یک منبع لایتنایی نیست و با هر بشکه از آن که استخراج، مصرف یا صادر می‌شود، با توجه به ویژگی‌های منابع و حوزه‌های زیرزمینی بستر آن، حداقل دو بشکه در مخازن زیرزمینی پنهان می‌شود که هزینه استخراج و دسترسی به آن بسیار بالاست، حسابی به نام «حساب ذخیره ارزی» از محل بخشی از درآمد صادرات نفت خام تأسیس شد که انحصاراً برای وام‌دهی و تأمین منابع سرمایه‌گذاری و خرید تکنولوژی مورد نیاز طرح‌های تولیدی بخش خصوصی قابل استفاده بود. در برنامه چهارم توسعه نیز با تصویب قانون‌گذار، صندوق توسعه ملی از محل درآمد نفت و گاز صادراتی به‌منظور کمک به هزینه‌های ارزی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایجاد شد که اطلاع رسمی از عملکرد و وضعیت فعلی آن در دسترس نیست.

ادامه در صفحه ۴



سخنگوی ستاد بودجه در گفت‌وگو با «شرق» از عدم تمکین برخی نهادها از ثبت اطلاعات شرکت‌ها در سامانه یکپارچه خبر داد

سرپیچی از قانون

سعید حجاریان با اشاره به انتخابات پیش‌رو

رقابت بین تفریطی‌هاست

- در برابر رقبا دست‌های روحانی بالاست
- سیاست‌ورزی محافظه‌کارانه حد و حدودی دارد
- طیف میانه در نیروهای سیاسی تضعیف شده است

صفحه ۵



صفحه ۳

یادداشت

خطرات حمله ترکیه به شمال سوریه

حمایت کرد. در اوج درگیری با داعش هنگامی که حتی بارزانی به دلیل رقابت بین‌حزبی با پی.د. حاضر به دادن تسلیحات نبود، ایران از مدافعان کوبانی حمایت تسلیحاتی کرد. احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف در ایران از مقاومت کوبانی دفاع کردند و در برابر داعش و کشور حامی آن موضع گرفتند. اما احزاب کرد، سرنوشت خود را به قدرت‌های فرامنطقه‌ای گره زده بودند. در اتحادی عجیب، ی.پ.ک به نیروی زمینی آمریکا در برابر داعش تبدیل شد. آنها انتظار داشتند که آمریکا در آینده نیروهای هوایی‌اش را از کردهای سوریه دریغ نکند. اما این اتحاد موقت بود. به‌طورکلی هر نوع اتحاد دولت‌ها با نیروهای «شبه‌دولتی» در عمل، نوعی استخدام است تا انتلاف؛ اما آنها، یعنی پ.ک. یا ی.پ.ک قادر به درک این حقیقت بودند.

ایالات متحده پس از نابودی داعش عملاً دست از حمایت کردها شست. واشنگتن ابتدا در برابر عملیات سپر فرات و سپس عملیات شاخه زیتون سکوت کرد و امروز در حال تخلیه نیروهای خود از مناطقی است که قرار است هدف حمله نظامی ارتش ترکیه قرار بگیرند. کردهای سوریه در برابر ترکیه تنها رها شدند. روسیه نیز امروز در ائتلاف با ترکیه است و قرار نیست از کردها حمایت کند. اقلیم کردی شمال عراق در این باره سکوت کرده است زیرا پ.ک.ک را دشمن سرسخت خود می‌داند. کاخ سفید ممکن است در این باره اظهار تأسف کند یا بگوید که با ترکیه در این مسیر همراه نیست. اما فراتر از این نخواهد رفت. تخلیه نیروهای باقی‌مانده نیروهای آمریکایی در شمال سوریه چراغ سبزی به حمله نظامی ترکیه است و بسیار بعید است اتحادیه اروپا در واکنش به حملات احتمالی یکی از اعضای ناتو به گروهی که هویت بین‌الملل تثبیت‌شده‌ای ندارد، تصمیم سختی بگیرد.

اشتباه استراتژیک احزاب کُرد ترکیه، عراق و

سوریه این بود که کردستان ایران را نیز بخشی از معادله ضد سایکس-پیکو قرار دادند، درحالی‌که کردستان نیز نه جزء ماترک عثمانی بود و نه ترتیبات سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و امنیتی آن شباهتی به آن سه کشور دیگر داشت. آنها با یک اشتباه محاسباتی دیگر، یک کشور حامی را از دست دادند؛ به این ترتیب بزرگ‌ترین پتانسیل منطقه‌ای را که ممکن بود از آنها حمایت بیشتری کند، از دست دادند. به یاد داریم که بین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۵ که روند مذاکرات آشتی بین کردهای ترکیه و دولت این کشور در جریان بود، ایران به‌مثابه یک هدف در میان احزاب کرد نشان داده می‌شد. حتی بسیاری سعی کردند از سیاست‌های حزب حاکم ترکیه، الگویی برای ایران بسازند؛ آنها فراموش کردند که ایران همیشه مدافع خوبی برای کردها بود. خطونشان‌های مکرر صالح مسلم علیه وحدت ملی ایران، چیزی نیست که بتوان به‌راحتی از کنار آن گذشت. رهبر کردهای سوریه هنوز هیچ نشده، برای سیاست‌های داخلی ایران تعیین تکلیف می‌کند، با این حال چگونه می‌تواند انتظار حمایت داشته باشد؟ به نظر می‌رسد آنها پیش از این حامیان خود را انتخاب کرده‌اند؛ هر چند به اشتباه.

این دست از رهبران چه در قنبدیل، چه در کوبانی یا ترکیه، علاقه زیادی دارند تا مختصات و کدهای استراتژیک خود را با اهداف دولت‌های فرامنطقه‌ای تنظیم کنند، شاید این شیوه در کوتاه‌مدت پاسخ‌گو باشد اما در بلندمدت باعث سرخوردگی است؛ همچنان که اکنون می‌بینیم، آنها امروز قابل دفاع نیستند، وضعیت سیاسی آنها نیز قابل دفاع نیست. از سوی دیگر، رفتار چرچ سبزی به حمله نظامی ترکیه است و دولت‌ها نیز قابل دفاع نیست. تجربه شکست جنبش‌های کرد در سه کشور ترکیه، عراق و سوریه این پیام را دارد که «رهبران سیاسی کردها در سه کشور دیگر، باید در آرمان، هدف، سیاست و از همه مهم‌تر شرکای خود تجدید نظر کنند».

در نشست خبری سخنگوی دولت مطرح شد از ماجراهای چنار محمودی تا انتقال قانونی فریدون

گروه سیاست: سخنگوی دولت، در نشست خبری هفتگی خود با انتقاد از برخی رسانه‌ها که با انتشار اخبار منفی دل مردم را خالی می‌کنند، گفت که نقد باید سازنده باشد. علی‌ریبعی همچنین گفت که برخی رسانه‌ها از ابتدای روز اخباری مبتنی...

صفحه ۶

سال هفدهم • شماره ۲۵۴۴ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

هویت فرهنگی و مسائل شهری

احمد مسجدجامعی



دهم بهمن سال ۱۳۹۳ برابر با برنامه جمعه‌ها که به تهران‌گردی می‌پرداختیم، با گروهی از خبرنگاران و اصحاب رسانه و مدیران شهری به خیابان مولوی رفتم، گروهی از دانشجویان معماری و انجمن معماران ایران و آقای اسکندر مختاری از تهران‌شناسان برجسته، نیز برای بازدید از مهم‌ترین کشف صورت‌گرفته در تهران دهه‌های اخیر در آن محل حضور داشتند.

برای شروع به سر قبرآقا رفتم. در این مزار اتاقی کوچک و حدود ۱۰ متر در اختیار گروه کاوش بود. با اشیایی به قدمت چند هزار سال تاریخ تهران. در این اتاق با دقت بسیار همه وسایل در طاقچه‌های قدیمی چیده شده و مانند موزه‌ای کوچک گویای تاریخی کهنسال بود. این کشف که از آن سخن می‌گویم، در قلب تهران تاریخی دیروز و اقتصادی امروز رخ داده است. در آغاز با دیدن چند استخوان و قدری سفال، در فضایی که پیش از آن قبرستان شهر بود، گمانه‌زنی‌های اولیه قدمتی حداکثر تا اوایل صفویه یعنی زمان تبدیل قصبه تهران به شهر تهران را تصویر می‌کرد؛ اما پیگیری خانم مهسا وهابی که او را در همان تهران‌گردی در جمع خبرنگاران کریستف کلمب تهران نام نهادیم، کار را تا جایی پیش برد که به پیداکردن گوری با تاریخ پنج هزار سال پیش از میلاد رسید و در ادامه کاوش‌های این گروه، افزون بر یافته اصلی، اشیائی ازجمله ابزارهای سنگی نیز به دست آمد که عمری برابر با ۹ هزار سال پیش از میلاد برای آن تعیین کردند؛ یعنی ۱۱ هزار سال پیش از اکنون. تا اینجا بعد باستان‌شناسی ماجراست...

اما این اتفاق در یکی از نقاط تهران روی داده است که به لحاظ مسائل اجتماعی و آلودگی‌های محیطی تامل‌برانگیز است. به‌واقع این محل از مناطق مشکل‌ساز شهری است که کراشی از آن را در کتاب دروازه‌غار آورده‌ام.

در زمان بازدید گفت‌وگوها بر سر ساخت سایت موزه‌ای شهری در همان‌جا بود؛ زیرا انتقال آثار و اشیای یافت‌شده در این مکان به موزه از تعلق تاریخی از آن مکان واقعی خود می‌کاست؛ بنابراین بهتر نبود این اثر در همین‌جا بماند و به‌عنوان «کهن‌ترین نقطه سکونت در تهران» به نمایش درآید.

باین‌همه هنگامی که کاوش به پایان رسید، زمانی لازم بود تا ارگان‌های ذی‌ربط تکلیف این کشف را روشن کنند؛ آیا آنجا سایت موزه شود یا آن را در همان محل دوباره دفن کنند و به آبنگاند بسیاری با به موزه منتقل کنند. روند این تصمیم‌گیری یک‌سال‌انیم طول کشید و در این زمان اینجا عملاً به خوابگاه و سرویس بهداشتی کارتن‌خواب‌های منطقه تبدیل شد. جمع‌آوری فاضلاب و پاک‌سازی، ناشی از این شیوه زندگی بیش از یک هفته زمان برد و به‌واقع محل کارگاه غریفال به پناهگاه معتادان تبدیل شده بود. این نمونه‌ای از اوضاعی است که گفتیم.

اکنون پرسش من این است که با آن میراث تاریخی کهن و این وضعیت امروز چه کارهایی می‌توان کرد که گذشته در خدمت حال و شکوفایی امروز و فردا باشد؟

نخست این پرسش را پیش می‌گشیم که: آیا می‌توان موارث شهری از همین قبیل را مانعی برای توسعه تلقی کرد؟

در برخی موارد که قضیه کاملاً روشن است، مانند خانه‌های تاریخی و روستایی که به محل اقامت و پذیرایی تبدیل شده و گاهی با قیمت‌های گراف پذیرای میهمانان است یا در همین تهران خودمان که خانه‌های قدیمی به فعالیت‌های خدماتی و فرهنگی روی آورده‌اند و هر روز بازار آن رونق بیشتری می‌یابد؛ حتی کسانی که به‌تازگی به جمع سازندگان این‌گونه مراکز پیوسته‌اند، از الگوهای قدیم برداشت می‌کنند. در مثال خیابان مولوی شبکه‌گذاری لوله فاضلاب شهری، منشا کشف و شکل‌گیری کاوش و بازیابی، داده‌ها و یافته‌ها شد. حال شبکه فاضلاب شهری مهم‌تر است یا موارث تاریخی و فرهنگی؟

ادامه در صفحه ۲

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

الو شرق

۸۸۹۴۸۲۷۳

ادامه در صفحه ۴



فراخوان نخستین دوره
جایزه علمی دوسالانه
دکتر صادق آئینه‌وند
ویژه تاریخ

رجوع به صفحه ۱۳